

دکتر دیوید دسیلوا ، جهان فرهنگی عهد جدید، جلسه ۷، پاکی و آلودگی

دیوید دسیلوا و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر دیوید دسیلوا در تدریسش در مورد «جهان فرهنگی عهد جدید» است. این جلسه ۷، «پاکی و آلودگی» است.

شما در حال اتمام یک مطالعه کتاب مقدس در کلیسای خود هستید و به پایان یکی از کتاب‌های کتاب مقدس مانند یوحنا یا رومیان رسیده‌اید و از کلاس می‌پرسید، خب، حالا باید چه چیزی را مطالعه کنیم؟ و کسی در انتهای کلاس می‌گوید، هی، لایوان چطور؟ و همه در کلاس شروع به خندیدن می‌کنند زیرا همه می‌دانند که این یک شوخی است.

بسیاری از مسیحیان، قطعاً در کلیساهای غربی، لایوان را کتابی می‌دانند که چندان قابل فهم یا معنادار نیست. ما واقعاً باید در غرب سخت تلاش کنیم تا به خوانندگان دلسوز متنی مانند لایوان تبدیل شویم تا جایی که تمام صحبت‌های آن در مورد پاکی و ناپاکی، آلودگی و پلیدی را صرفاً به عنوان یک مسئله‌ی مهم مانند «چه چیزی مهم است» در نظر بگیریم؟ و باید سخت تلاش کنیم تا از این مرحله عبور کنیم تا به نقطه‌ای برسیم که بتوانیم درک کنیم که چگونه این نگرانی‌ها واقعاً برای افرادی که نگران چگونگی ارتباط با خدای مقدس هستند، معنادار است. ما به عنوان مسیحیان قرن بیست و یکم، به ویژه در جهان غرب و حتی به ویژه در بخش‌های پروتستان آن جهان، با موانع زیادی در این زمینه روبرو هستیم.

از همان ابتدا به ما آموخته‌اند که قوانین مربوط به طهارت و آیین‌های عهد عتیق را منسوخ، ظاهری و شریعت‌گرایانه بدانیم، به عنوان قوانینی که صرفاً مانع دین حقیقی می‌شوند، نه اینکه دین حقیقی را برای کسانی که در مراسم مذهبی اولیه یهودیان و بنی اسرائیل باستان شرکت داشتند، آشکار کنند. و مسیحیان پروتستان به ویژه امر مقدس را از ابهام خارج کرده و دسترسی به امر مقدس را آزاد کرده‌اند. مطمئناً، این موضوع به طور کلی درست نیست.

بدون شک بسیاری از ما تجربه حضور در حضور خدای مقدس را داشته‌ایم، اما به نظر من ممکن است برای ما غیرمعمول باشد که تجربه‌ای مانند آنچه اشعیا در فصل ششم کتابش داشت، داشته باشیم؛ جایی که او در فضایی مقدس بود، ناگهان از حضور خدا آگاه شد و ناگهان متوجه شد که در میان مردمی ناپاک و آلوده چقدر ناپاک و آلوده است، به طوری که به شدت آگاه شد که هر لحظه ممکن است تبخیر شود و برای اینکه بتواند در آنجا با خیال راحت بماند، به تطهیر نیاز دارد. به نظر من، ما تا حد زیادی حس قدرت و خطر امر مقدس را از دست داده‌ایم، امری که قبلاً باعث می‌شد بسیاری از مردم نزدیک شدن به امر مقدس را به متخصصان مذهبی، که معمولاً به عنوان کاهنان شناخته می‌شوند، واگذار کنند.

حال، با دسترسی آزاد و مستقیم به خدا برای همه مؤمنان، بدون نیاز به واسطه‌گری حرفه‌ای، به ویژه در نتیجه کار شگفت‌انگیز مسیح، و یکی از آن چیزهایی که به عنوان بخشی از میراث اصلاحات برای مسیحیت بازیابی شد، به نظر من برای همه شاخه‌های مسیحیت در نتیجه شهادت اصلاحات بازیابی شد، اگر ابتدا ترتیبات قدیمی که او از آنها فراتر رفت و منطقی که این ترتیبات را معنادار کرد، را درک نکنیم، برای ما دشوار است که به درک کاملی از آن کار مسیح برسیم. بنابراین، به ویژه مردم مدرن غربی چگونه می‌توانند قدرت درونی پاکی و آلودگی را برای بنی اسرائیل باستان، یهودیان معبد دوم و مانند آن درک کنند؟ یک راه این است که به سادگی در مورد کثیفی و نحوه برخورد ما با کثیفی فکر کنیم. و منظور من از کثیفی، صرفاً خاک است.

برای مثال، یک فنجان خاک گلدان بردارید و آن را در باغچه بریزید. هر کسی که از آنجا رد می‌شود و خاک آنجا را می‌بیند، می‌گوید، بسیار خب، این خاک است. جایش همین جاست.

با خاک‌های دیگر است. در فضای باز است. این کاملاً طبیعی است.

آن یک لیوان خاک را روی مسیر ماشین‌رو پخش کنید. اگر مثل من باشید، زیاد اذیتتان نمی‌کند. فکرش را بکنید، یک باد شدید، یک باران خوب، خودش درست می‌شود.

اما بعضی‌ها این را به عنوان کثیفی مسیر ورودی خانه تلقی می‌کنند. احتمالاً ظرف ۲۴ ساعت، با یک جارو بیرون می‌روند و آن را به جایی که به آن تعلق دارد برمی‌گردانند، یعنی با بقیه‌ی خاک روی چمن‌ها پخش می‌کنند. آن فنجان خاک را بردارید و روی فرش اتاق نشیمن بگذارید.

تقریباً هیچ‌کس اجازه نمی‌دهد آنجا بماند. می‌گویم تقریباً هیچ‌کس چون احتمالاً بچه‌های دانشگاه ما هستند. که این را تماشا می‌کنند. اما به‌طور کلی، شما اجازه نمی‌دهید آنجا بماند.

خیلی سریع آن را جمع می‌کردی و بعد بقایای آن را جاروبرقی می‌کشیدی تا هیچ کثیفی قابل مشاهده‌ای در آن فضا باقی نماند، چون جای کثیفی روی فرش اتاق نشیمن نیست. در واقع دارم خاطرات پدر بودنم را که همین حرف‌ها را می‌زدم، زنده می‌کنم. کثیفی جایش روی فرش اتاق نشیمن نیست.

همچنین به غذا فکر کنید، به آنچه می‌خوریم، آنچه نمی‌خوریم، به جایی که می‌خوریم، و اینکه کجا یا چگونه غذا را مدیریت می‌کنیم، به خصوص در مورد غذا. می‌توانیم کم‌کم این حس را پیدا کنیم که ما نوعی کدهای پاکی و آلودگی شخصی خودمان را داریم که به شدت عمل می‌کنند. من گوشت گاو خواهم خورد، من گوشت خوک خواهم خورد، من مرغ خواهم خورد، من مرغ خواهم خورد.

من سگ نمی‌خورم. چرا؟ واقعاً نمی‌توانم بگویم که آیا به خاطر طعم بد سگ است یا نه. فقط به این خاطر است که آدم سگ نمی‌خورد.

می‌دانید، در آمریکا، امیدوارم به هیچ بیننده‌ای توهین نکنم. مثلاً در آمریکا خوردن سگ یا گربه تابو محسوب می‌شود. این بخشی از عادات غذایی ما نیست.

و اگر کسی ناگهان بشقاب جلوی ما بگذارد و بگوید، اوه، این سوسیس کاری است، احتمالاً از این ایده منزجر می‌شویم. به این فکر کنید که وقتی غذا از بشقاب می‌افتد چه اتفاقی برای آن می‌افتد. اگر غذا از بشقاب روی پیشخوان آشپزخانه بیفتد، بسیاری از ما ممکن است بگوییم، اوه، خب، اشکالی ندارد.

فقط آن را بردارید، و مشکلی نیست. اگر غذا از بشقاب روی زمین بیفتد، بسیاری از ما که در حال تماشای آن هستیم ممکن است وسوسه شویم که آن را دور بیندازیم و دوباره شروع کنیم یا حداقل آن را آبکشی کنیم. راستش را بخواهید، از نظر صرفه‌جویی، این راه حل من خواهد بود.

فقط آن را آبکشی کنید و بخورید. اشکالی ندارد. بعضی‌ها ممکن است اصلاً اهمیتی ندهند.

فقط آن را دوباره در بشقاب بریزید، قانون پنج ثانیه، می‌دانید که چطور پیش می‌رود، و پافشاری کنید. نحوه برخورد ما با غذا ممکن است منعکس‌کننده نوعی از کدهای پاکی و آلودگی اجتماعی ما باشد. ما فقط غذایمان را بر نمی‌داریم، آن را روی فرش اتاق نشیمن نمی‌اندازیم و از روی فرش غذا نمی‌خوریم.

چرا که نه؟ ذاتاً هیچ اشکالی در انجام این کار وجود ندارد. اما به نوعی به نظر ما اشتباه می‌آید. این کار بیشتر شبیه یک آلودگی ناشی از خلوص است تا چیزی اخلاقی یا معنوی یا هر چیز دیگری.

حالا، بیایید کمی شخصی‌تر شویم. به این فکر کنید که چگونه ممکن است با افرادی که بیمار هستند برخورد کنید. بله، و این موضوع خیلی شخصی می‌شود زیرا طیف بسیار گسترده‌ای از واکنش‌ها در اینجا وجود دارد.

بعضی از ما از میکروب‌ها می‌ترسیم. بیایید صادق باشیم. بعضی از ما از میکروب‌ها می‌ترسیم.

و به خصوص کسانی که از میکروب می‌ترسند می‌توانند با چیزی که می‌خواهم بگویم ارتباط برقرار کنند. متوجه می‌شوید که کسی سرما خورده است و دارد فین فین می‌کند، شما چه کار می‌کنید؟ ممکن است این کار را بکنند و بعد بخواهد با شما دست بدهد. شما چه کار می‌کنید؟ آیا با دست دیگران می‌گویید «از دیدن‌تان خوشحالم»، یا مشت می‌زنید یا کاری از این قبیل؟ آیا با او دست می‌دهید و سپس در اولین فرصت ضد عفونی‌کننده‌تان را برمی‌دارید یا دستتان را می‌شوید؟ یا فقط دست می‌دهید و می‌گویید «بله، اشکالی ندارد»؟

من هم دچار آبریزش بینی شدم. مسئله‌ای نیست. این‌ها به نوعی کدهای پاکی و آلودگی خودمان و نحوه برخورد با آلودگی را در صورت تشخیص وقوع آن، برای ما برجسته می‌کنند.

حال، بسیاری از آنچه که من در موردش بحث کردم را می‌توان با توجه به نگرانی ما در مورد میکروب‌ها جرم‌ها و موارد مشابه توضیح داد. اما پویایی‌هایی که در موردشان صحبت کردم و واکنش‌های غریزی که در موردشان صحبت کردم و این واقعیت که ما برای خودمان، نه به طور یکسان در هر فرهنگی، بلکه برای خودمان، روش‌هایی برای مقابله با آنچه که به عنوان آلودگی درک می‌کنیم، ایجاد کرده‌ایم، به احساسات غریزی‌ای که بنی اسرائیل باستان، یهودیان دوره معبد دوم، در رابطه با چیزهایی که در لاویان شرح داده شده است، داشتند، اشاره می‌کند. ضمناً، قوانین پاکی خود ما نیز پیامدهای اجتماعی فراگیری دارند، همانطور که بنی اسرائیل باستان یا قوانین پاکی یهودیان معبد دوم پیامدهای اجتماعی داشتند.

در واقع، می‌توان استدلال کرد که آن کدهای پاکی، آن تابوهای آلودگی، در درجه اول با هدف مهندسی اجتماعی بودند، تا یهودیان را به شیوه‌های نزدیک با یهودیان مرتبط نگه دارند، اما نه با غیریهودیان، تا هویت یهودی، مرزهای قومی یهودی، مرز گروه، دست نخورده باقی بماند. به کدهای پاکی و آلودگی خود و اینکه چگونه ممکن است پیامدهای اجتماعی نیز داشته باشند فکر کنید. آیا بعد از اینکه متوجه شدید که بیشتر نحوه برخورد آنها با غذا، ببخشید، نسبت به شما دقت کمتری دارد، برای شام دوباره به خانه‌ی کسی برمی‌گردید؟ شاید این کار را بکنید، شاید هم نه.

شاید بگویید که این کار را نمی‌کنم؛ آنها را برای شام دعوت می‌کنم. من آنها را دوست دارم، اما واقعاً راحت نیستم که به آنجا برگردم. یا به افراد بی‌خانمان در مرکز شهر یا روستای خود فکر کنید. شاید شما از اینکه به یک فرد بی‌خانمان دست دوستی بدهید، اکراه نداشته باشید، اما شاید متوجه شوید که بسیاری از مردم حتی اگر فرد بی‌خانمان را ببینند، چنین می‌کنند.

یک فرد بی‌خانمان، فردی بی‌محل است، فردی که در جامعه جایی ندارد. همه ما جایگاهی داریم و این برای ایده پاکی و آلودگی ضروری است. هر چیزی جایی دارد و برای هر چیزی جایی وجود دارد.

بنابراین، یک فرد بی‌خانمان، یک فرد آواره است. و ما ممکن است از نظر بهداشت فکر کنیم، می‌دانید، یک فرد بی‌خانمان ممکن است بهترین دسترسی را به دوش و شستن دست و چیزهایی از این قبیل نداشته باشد.

اما در نهایت، افکار ما در مورد پاکیزگی ممکن است بر تعاملات اجتماعی ما با آن فرد تأثیر بگذارد. همین امر ممکن است در مورد زمان نیز صدق کند.

من شخصاً این را حس نمی‌کنم، اما بسیاری از مردم ممکن است احساس کنند که اگر در خانه تماس کاری دریافت کنند، به وقتشان تجاوز شده است، و به زمان و مکانشان تجاوز شده است. برعکس، اگر شخصی در محل کار باشد، این موضوع در مورد شما که یک کشیش هستید صدق نمی‌کند، اما اگر حسابدار یا چیزی شبیه به آن هستید، اگر در محل کار هستید و شخصی یک موضوع کاملاً شخصی را مطرح می‌کند و می‌خواهد در مورد اتفاقی که در خانه برایش می‌افتد صحبت کند، ممکن است احساس کنید که به محل کار تجاوز شده است، که به زمان کار تجاوز شده است. بنابراین، اگر بتوانیم با هر یک از ناراحتی‌های موقعیت‌هایی که در مورد آنها صحبت کردم یا هر یک از انواع واکنش‌ها به آنچه تمیز و آنچه آلوده نامیده‌ام، همذات‌پنداری کنیم، ممکن است با کدهای باستانی پاک و آلودگی همدردی کنیم.

بسیاری از اصول پاکیزگی مدرن ما، اگر بتوان آنها را اینگونه نامید، همانطور که اشاره کردم، مربوط به میکروب‌ها و بیماری‌های واگیردار است. تفاوت با گذشتگان در پویایی‌هایی که من توصیف کردم نیست، بلکه در این واقعیت است که آنها چندان نگران ابتلا به بیماری به خودی خود نیستند، که حداقل بخش زیادی از تفکر مدرن غربی را هدایت می‌کند، بلکه نگران ابتلا به چیزی هستند که آنها را برای تعامل با امر مقدس نامناسب می‌کند و در نتیجه، عدم صلاحیت مردم را برای ماندن در حضور و تحت حمایت خدای مقدس به طور کلی افزایش می‌دهد. برعکس، و من این را نیز شنیده‌ام که چنین کاری انجام شده است، تلاش برای توضیح اصول پاکیزگی یهودیان باستان با اصطلاحات پزشکی مدرن، واقعاً این نکته را از دست می‌دهد که چرا یهودیان اولیه به پاکیزگی و آلودگی اهمیت می‌دادند.

می‌دانید، هر آنچه که از نظر پزشکی می‌توانستید در مورد گوشت خوک بگویید تا نوعی توضیح، توجیه و منطقی‌سازی مقررات غذایی یهودیان را توجیه کنید، به سادگی بی‌ربط به این است که چرا گوشت خوک نجس بوده است، چرا گوشت خوک در جهان باستان نجس بوده است. و ما در حال تحمیل یک توضیح خارجی هستیم که به هیچ وجه برای یهودی که ممکن است ترجیح دهد زیر شکنجه بمیرد تا اینکه یک لقمه گوشت خوک بخورد، به عنوان یک تخلف عمدی از قانون، اهمیتی ندارد. پاک‌ی با تصویری از یک نظم الهی برای کیهان و هر چیزی در آن کیهان مرتبط است.

همانطور که چند لحظه پیش به آن اشاره کردم، این موضوع به عنوان نگرانی در مورد مکانی برای هر چیز و هر چیز در جای خود در مقیاس کیهانی توصیف شده است. برعکس، آلودگی به عبور از مرزهایی که نباید از آنها عبور کرد، خارج شدن از مکان، انجام کاری نامناسب در یک مکان یا زمان خاص و رفتن به وضعیتی که نظم به نوعی از بین رفته است، مربوط می‌شود. بنابراین، هنگام خواندن لاویان، متوجه می‌شویم که نگرانی زیادی در مورد چیزهایی مانند مایعات وجود دارد.

مایعات بدن مربوط به تولید مثل به نوعی به درون بدن تعلق دارند و وقتی از آن مرز خارج می‌شوند و عبور می‌کنند، آلوده می‌شوند. کار در روز استراحت مقدس شده توسط خداوند، فعالیت نامناسب است و به یک مکان به عنوان نوعی نقشه زمان نگاه می‌کند. خرچنگ‌ها نجس هستند زیرا در دریا زندگی می‌کنند اما مانند حیوانات خشکی راه می‌روند و بنابراین نمایانگر ترکیبی از دسته‌هایی هستند که باید از هم جدا نگه داشته می‌شدند.

منظورم از «باید»، از نظر این دیدگاه نسبت به کیهان و نظم آن، این است که هر چیزی به کجا تعلق دارد؟ جای هر چیزی کجاست؟ افرادی که از جداسازی پوست و بیماری‌های پوستی تراوش‌کننده رنج می‌برند، که اغلب در ترجمه‌های انگلیسی کتاب مقدس با جذام یکی دانسته می‌شوند، فرسایش یک مرز مناسب، مرز

پوست، جایی که فرد به پایان می‌رسد و بقیه جهان آغاز می‌شود را تجربه می‌کنند و بنابراین به حالت آلودگی رسیده‌اند. همه اینها فقط به دلیل یک عامل دیگر اهمیت دارد: حضور امر قدسی.

در اسرائیل، این به طور خاص حضور خدای واحد مقدس است. تقدس چیست؟ مقدس چیزی است که از چیزهای عادی جدا شده است. کامل، بی‌نقص، تمام‌عیار و سرشار از قدرت در رابطه با زندگی عادی است.

این قدرت می‌تواند برای برکت یا نابودی آشکار شود. و آن قدوس که کیهان را در نظم کامل خود قرار داده است، نمی‌تواند آلودگی را تحمل کند. از یک سو، اسرائیل به شدت به مزایایی که از آن قدوس ساکن در میانش حاصل می‌شود، نیاز دارد.

از سوی دیگر، اسرائیل باید بسیار مراقب باشد که با آلودگی خود، مقدسات را بی‌اعتبار نکند. از این رو اسرائیل به دستورالعمل‌های روشنی، مانند آنچه در لاویان آمده است، نیاز دارد تا بداند چه زمانی چیزی یا کسی از مرز پاکی به آلودگی عبور کرده است. اسرائیل همچنین به فرآیندهای روشنی برای مهار و از بین بردن آلودگی نیاز دارد.

از این رو، آیین‌های تطهیر، راه‌هایی برای بازگرداندن آنچه که به قلمرو ناپاکان وارد شده است به قلمرو پاکی هستند. و اسرائیل باید بداند که چگونه اقدامات احتیاطی لازم را انجام دهد تا از تماس آلودگی با مقدسات به ویژه مقدس، جلوگیری کند. به عنوان یک نکته فرعی، می‌توانم به این نکته اشاره کنم که همه فرهنگ‌ها در دنیای مدیترانه باستان نگران پاکی و آلودگی و نزدیک شدن به مقدسات در حالت پاکی بودند تا به جای خشم، برکت بیابند.

حال، قوانین پاکی یونانی و رومی به ندرت به پیچیدگی و تفصیلی که در لاویان می‌بینیم، بودند. اما، به عنوان مثال، کتیبه‌هایی یافت شده‌اند که شرایطی را که تحت آن یک شخص می‌تواند به یک زیارتگاه یا معبد یا مکان مقدس خاص نزدیک شود، شرح می‌دهند. و بنابراین، اگر کسی قرار بود به آن مکان مقدس برود تا با آن موجود الهی در آنجا ملاقات کند، ابتدا باید از آلودگی‌های خاصی دوری می‌کرد، طهارت‌های خاصی را انجام می‌داد و مواردی از این قبیل.

بنابراین، نباید فکر کنیم که پاکی و آلودگی مفاهیم و کدهایی هستند که فقط برای یهودیان یا مسیحیان یهودی مهم، مرتبط و معنادار هستند. این به سادگی درست نیست. مسئله این است که نویسندگان عهد جدید عمدتاً از قوانین و آیین‌های پاکی یهودیان در عهد عتیق و معبد دوم و موارد مشابه الهام گرفته‌اند و در مورد پاکی و آلودگی می‌نویسند.

زیرا، البته، این پیشینه شاید همه، احتمالاً اکثر، اگر نگوییم همه، نویسندگان عهد جدید است. بنابراین، بیایید مدتی را با هم در مورد لاویان و در مورد پاکی و ناپاکی، آنطور که در آن متن آمده است، فکر کنیم. شاید فقط با چند آیه از لاویان ۱۰ شروع کنم.

که دسته‌بندی‌های اصلی مورد نیاز برای صحبت در مورد آنها را معرفی می‌کند. خداوند به هارون فرمود که تو باید بین مقدس و غیرمقدس و بین نجس و طاهر تمایز قائل شوی. و تو باید تمام فرائضی را که خداوند توسط موسی به قوم اسرائیل گفته است، به آنها بیاموزی.

حال، در این متن کوتاه، دو مجموعه از دسته‌بندی‌ها را می‌یابیم که دسته‌بندی‌های جفتی هستند. مقدس و غیرمقدس، یک جفت دسته‌بندی مرتبط. پاک و ناپاک، یک جفت دسته‌بندی مرتبط دیگر.

همچنین توجه داشته باشید که وظیفه اصلی کاهن در اینجا در این متن این است که مطمئن شود همه مردم از این دسته‌ها و اینکه چگونه خداوند نحوه برخورد مردم با این دسته‌ها را تعیین و تجویز کرده است، آگاه هستند. از این رو، تمام فرایضی که خداوند از طریق موسی به مردم گفته است. بپایید در مورد آن جفت اول دسته‌ها، یعنی دسته مشترک در مقابل دسته مقدس، فکر کنیم.

رایج یا نامقدس، اگرچه در انگلیسی، نامقدس بار معنایی منفی مانند ناسزاگویی دارد، اما رایج یا سکولار یا نامقدس اصطلاحی عموماً خنثی است. این اصطلاح به فضاهای عادی و چیزهای عادی جهان که برای انسان‌ها قابل دسترسی است اشاره دارد. در مقابل، مقدس اصطلاحی است که بار معنایی دارد.

«واژه» عام «نوعی اصطلاح بی‌نشان است. اصطلاح خیلی خاصی برای این جفت نیست، اما «مقدس، اصطلاح خاصی برای آن جفت است. به عبارت دیگر، این جفت برای برجسته کردن امر مقدس وجود دارد، نه برای برجسته کردن امر مشترک.

مقدس «به مکان‌ها یا چیزهای خاصی اشاره دارد که از چیزهای عادی و روزمره جدا شده‌اند و به نحوی» خاص به خدا تعلق دارند. جفت دوم اصطلاحات، پاک و ناپاک هستند. پاک در واقع اصطلاح خنثی در این جفت است.

این اصطلاح چندان خاصی نیست. و عموماً به یک شخص یا یک چیز در حالت عادی خود اشاره دارد. یک متن درخشان در مورد همه اینها، کتاب «پرورش یک کشیش وفادار» نوشته ریچارد نلسون است.

او در آن کتاب می‌نویسد که آنچه پاک است را می‌توان چیزی دانست که در جایگاه مناسب خود در مرزهایی که خداوند در خلقت تعیین کرده است قرار دارد و مرزهای بیرونی آن کامل و دست نخورده است. در مقابل، «ناپاک» اصطلاحی با بار معنایی است. این اصطلاح به چیزی اشاره دارد که از حالت عادی پا را فراتر گذاشته و به حالت خطرناک آلودگی رسیده است.

حال، هر دوی این مجموعه اصطلاحات همیشه کاربرد دارند. شما می‌توانید هر چیزی، هر کسی را، با یک دسته از هر یک از این جفت‌ها توصیف کنید. یک اسرائیلی غیر روحانی معمولی، بیشتر اوقات تمیز و معمولی است.

گاهی اوقات، او نجس می‌شد و مجبور بود با این ناپاکی دست و پنجه نرم کند یا به نحوی آن را توجیه و مدیریت کند. اما اغلب اوقات، یک اسرائیلی معمولی غیر روحانی، پاک و معمولی است. اگر او یا او مرتکب نجاست شود، او نجس و معمولی می‌شود.

برای مثال، زنی در طول دوره قاعدگی خود ناپاک شده و هنوز ناپاک است. اما این حالت در پایان دوره قاعدگی ادامه نمی‌یابد. او طهارت می‌گیرد و دوباره پاک و ناپاک می‌شود.

همین اتفاق برای کسی که شب‌ها ادرار می‌کند هم می‌افتد. امیدوارم غذایی که در بازار یهودیان فروخته می‌شود، تمیز و معمولی باشد. غذای درست و حسابی باشد، به درستی تهیه شده باشد و معمولی باشد.

خوردن آن برای هر اسرائیلی غیر یهودی امکان‌پذیر خواهد بود. مشکل غذایی که در بازار غیریهودیان فروخته می‌شود این است که به احتمال زیاد، نجس و رایج است و خوردن آن برای یک یهودی بسیار نامناسب است. نجس به این دلیل که از قربانی کردن حیوان برای بت در معبد آمده است یا از حیوانی که به طور نادرست ذبح شده است به طوری که خون در بافت آن باقی مانده و بعداً خورده شده است، و چه چیزهایی شما می‌دانید.

ده یک‌ها برای کاهنان جمع‌آوری می‌شد، و این به معنای بخشی از محصول زمین است، بنابراین نه همه گندم، بلکه مقداری گندم. نه همه روغن زیتون یا شراب، بلکه مقداری روغن زیتون و شراب. ده یک‌هایی که برای کاهنان جمع‌آوری می‌شد، پاک و مقدس بودند.

بنابراین، آنها فقط باید توسط پرسنل مقدس، کاهنان، در حالت پاکی خورده می‌شدند. برای یک اسرائیلی عادی، خوردن بخشی از آنچه که عشر بود، به منزله غصب مقدسات به نفع خود بود و این نقض این دسته بندی‌ها محسوب می‌شد. این کار عشر و اشیاء مقدس را بی‌حرمت می‌کرد و خشم الهی را برمی‌انگیزاند.

قبرستان نجس و رایج بود، در حالی که محوطه معبد پاک و مقدس بود. همه این طبقه‌بندی‌ها برای جلوگیری از ورود نجس به حضور مقدس وجود داشت. طرز فکر باستانی در مورد ترکیب نجس و مقدس را می‌توان با نگرش خدمه سفینه فضایی انترپرایز در مورد تماس ماده و ضد ماده مقایسه کرد، البته اگر از قیاس فرهنگی غربی صرف نظر کنیم.

شما می‌خواستید به هر قیمتی از این امر اجتناب کنید، زیرا نیروی مخرب برخورد این دو چیز می‌توانست فاجعه‌بار باشد. نکته‌ی دیگری که باید درک کنیم این است که یک یهودی معمولی قرن اول، با الهام از خود تورات، هیچ تمایزی بین قانون آیینی و قانون اخلاقی قائل نمی‌شد.

همه چیز قانون بود. همه چیز به یک اندازه قانون بود و به همان اندازه معنادار و الزام‌آور. این یک دستورالعمل منسجم و واحد در مورد چگونگی زندگی در برابر خدای مقدس و پایبندی به عهد با او بود.

این در کنار هم قرار دادن آسان این دو در سراسر لاویان دیده می‌شود. برای مثال، در این متن بسیار مهم از لاویان ۱۸: ۱۹ تا ۱۹: از پسران و دختران قوم خود انتقام نگیر و کینه به دل نگیر، بلکه همسایه‌ات را مانند خودت دوست داشته باش.

من خداوند هستم. شما باید از فرایض من پیروی کنید. نباید اجازه دهید دام‌هایتان با دام‌های دیگر جفت‌گیری کنند.

نباید در مزرعات دو نوع بذر بکاری، و نباید لباسی از پارچه‌ای که از دو نوع جنس ساخته شده بپوشی. درست همین‌جا، در کنار هم، در این دو آیه، چیزی را می‌بینید که ما امروزی‌ها ممکن است بی‌درنگ آن را به عنوان یک پند اخلاقی تلقی کنیم. کینه به دل نگیر.

انتقام نگیر. همسایه‌ات را مانند خودت دوست داشته باش. این یک آیه از لاویان است که همه ما آن را می‌دانیم.

و چیزی که می‌توانیم آن را مربوط به قوانین آیینی بدانیم. از نظر اخلاقی کاشتن در یک زمین واحد چه اهمیتی دارد؟ من بدیهی است که کشاورز نیستم چون الان دارم تقلا می‌کنم. جو و گندم یا سویا و گندم.

بدیهی است، می‌دانید، این کار راحت نیست مگر اینکه واقعاً سویا و تمام محصولات گندم خود را دوست داشته باشید. اما این یک سوال اخلاقی برای ما نیست. این باید مربوط به تمایل آیینی باشد که چیزهای نامحسوس و جداگانه را با هم مخلوط نکنیم.

بنابراین، اما برای بنی اسرائیل باستان، برای یهودیان دوره معبد دوم، همه اینها صرفاً روشی است که خداوند به ما آموخته است که زندگی کنیم، یک کل منسجم. این عدم تمایز را می‌توان از این واقعیت نیز دریافت که

همان نوع قربانی، آنچه می‌توانیم به عنوان قربانی گناه ترجمه کنیم، برای مقابله با آلودگی ناشی از کلاهبرداری در یک معامله تجاری و ابتلا به آلودگی از طریق تماس با یک شخص یا حیوان نجس لازم بود. بنابراین، باز هم می‌گوییم، اوه، مورد اول یک ملاحظه اخلاقی است.

مورد دوم، یک ملاحظه آیینی است. برای یهودیان قرن اول، هر دو صرفاً ملاحظات مربوط به آلودگی بودند و به همین دلیل در کنار هم قرار می‌گرفتند. مایلم کمی وقت بگذارم و با شما در مورد نقشه‌های پاکی یهودیت اولیه فکر کنم.

نقشه‌های پاکی، مدل‌هایی از نظم کیهان ارائه می‌دهند، مدل‌هایی از اینکه هر چیزی در جای مناسب خود نسبت به چیزهای دیگر چگونه به نظر می‌رسد. آن‌ها یک هنجار یا معیاری را ارائه می‌دهند که فرد می‌تواند با آن تشخیص دهد چه زمانی چیزی در جای خود نیست و بنابراین نیاز به درمان یا توجه ویژه، چه اجتناب و چه تطهیر، دارد. و در یهودیت اولیه، می‌توانیم در مورد نقشه‌های افراد، نقشه‌های فضاها، نقشه‌های زمان، نقشه‌های غذاها و نقشه‌های بدن‌های فردی صحبت کنیم.

و این نقشه‌های مختلف، که در ابتدا ممکن است برای ما بی‌ربط به نظر برسند، در واقع یکدیگر را تقویت می‌کنند. آن‌ها به ویژه با هم کار می‌کنند تا هم مرزهای خارجی جامعه یهودی، یعنی جایی که یهودیان متوقف می‌شوند و غیریهودیان شروع می‌شوند، و هم ساختارها و سلسله مراتب داخلی، یعنی نظم داخلی درون جامعه یهودی را تقویت کنند. بنابراین ابتدا، بیایید در مورد نقشه‌های افراد فکر کنیم.

اولین سطح نقشه‌برداری، اسرائیلی را از غیر اسرائیلی متمایز می‌کند. غیریهودی اساساً از نقشه خارج است. و اسرائیلی عملاً پاک در نظر گرفته می‌شود.

چرا؟ چون خدا بنی‌اسرائیل را به عنوان قوم مناسب، به عنوان قوم پاک برای غیر اسرائیلی عملاً نجس است خودش برگزیده است، اما به طور خاص بنی‌اسرائیل را از میان تمام اقوام دیگر که برای خود خدا، برای خود خدا مناسب نیستند، انتخاب کرده است. در لاویان، چیزی که به نظر من نوعی فرمان ضروری است، فکر می‌کنم حداقل سه بار بیان شده است، اما اینجا در لاویان ۱۱:۴۴ آمده است. ما خدا را می‌بینیم که می‌گوید: من خداوند خدای شما هستم.

شما باید خود را مقدس نگه دارید و مقدس باشید زیرا من مقدس هستم. بنابراین، انتخاب اسرائیل از جانب خدا، بار ویژه‌ای را بر دوش اسرائیل می‌گذارد تا تقدس خدا را منعکس کند و عمل خود خدا را در تمایز بین پاک و ناپاک در عمل روزمره خود منعکس کند. ختنه، بنی‌اسرائیل را از اکثر غیر بنی‌اسرائیل در جهان باستان متمایز می‌کند.

استثنائاتی وجود دارد، اما در نهایت، وقتی یک غیریهودی به ختنه فکر می‌کند، غیریهودی به یهودی فکر می‌کند و به ندرت به برخی کاهنان مصری و غیره و غیره. ختنه آیینی بود که بر بدن مرد بنی‌اسرائیل، خاص بودن بنی‌اسرائیل را حک می‌کرد، این واقعیت که بنی‌اسرائیل از همه مردم دیگر زمین جدا شده است تا از آن خدا باشد، با او پیمان داشته باشد، از آن خدا باشد، منظور من در اینجا، در پیمان بودن با خداست. حال در درون اسرائیل، درجه‌بندی‌هایی از تقدس وجود دارد که سلسله مراتب داخلی و نظم داخلی را در قوم یهود در ملت بنی‌اسرائیل تقویت می‌کند.

بنابراین، در پایین‌ترین سطح، اگر بتوانم اینطور بگویم، از تقدس، شما بنی‌اسرائیل غیرروحانی، مرد و زن، را دارید. و آنها پاک اما معمولی هستند. اما در میان بنی‌اسرائیل، شما به طور خاص یک قبیله دارید که بیشتر برای خدا جدا شده است.

تمام بنی اسرائیل از غیریهودیان برای خدا جدا شده‌اند. اما در میان بنی اسرائیل، قبیله لاوی بیشتر برای خدا جدا شده است. بنابراین، لاویان مسئولیت ویژه‌ای برای مراقبت از ساختارهای فیزیکی و تمام فعالیت‌های آیینی خیمه و معبد داشتند.

در درون قبیله لاوی، گروه‌های بیشتری وجود دارند که برای خدا جدا شده‌اند. اینها رده‌های کاهنی در درون لاوی، قبیله‌های کاهنی یا سلسله‌های خانوادگی در درون قبیله لاوی هستند. و این کاهنان دسترسی بیشتری به خدا نسبت به لاویان معمولی داشتند، که لاویان معمولی نیز دسترسی بیشتری به خدا نسبت به اسرائیلیان معمولی داشتند.

و در میان همه کاهنان اعظم، ببخشید، در میان همه کاهنان، هشدار لو رفتن داستان، یک نفر، یک مرد کاهن اعظم، وجود داشت که از همه مردم برای خدا جداتر بود. و به دلیل سطح بالاتر جدا بودنش، او به خدا، به فضاهای مقدس خدا، فراتر از هر یک از همکاران کاهن خود دسترسی داشت. بنابراین، واقعاً با فکر کردن به این خطوط درونی خلوص، که اتفاقاً سلسله مراتب، حکومت کاهنان اسرائیل باستان، و تا حد زیادی، معبد دوم یهودا یا یهودیه را در دوره روم تقویت کرد، تا حد زیادی، نه به طور کامل، اما تا حد زیادی.

و بنابراین، کدهای تقدس در اینجا ساختار درونی را تقویت می‌کنند. و ما قبلاً به نوعی به نقشه‌های فضاها پرداخته‌ایم زیرا آنها با نقشه‌های افراد در تورات بسیار مرتبط هستند. و معبد نوعی الگو است، هم از سلسله مراتب درون اسرائیل، بر اساس اینکه چه کسی می‌تواند از چه خطی عبور کند و سپس فراتر نرود، و هم نمایانگر تقدس بیشتر اسرائیل نسبت به سایر مردم جهان به طور کلی.

بنابراین، اگر بتوانید هر مدل یا تصویری از معبد را که ممکن است تا به حال دیده باشید، تجسم کنید می‌دانید که در بیرون، بیرونی‌ترین منطقه به عنوان صحن غیریهودیان شناخته می‌شود، که در واقع کمی نام‌گذاری نادرستی است. من در متون باستانی چنین نامی ندیده‌ام، اما دیده‌ام که به عنوان صحنی که برای همه مردم باز است، صحنی که برای همه قبایل باز است، توصیف شده است، به عنوان مثال، در چهارم مکابیان ۴:۱۱. با این حال، نتیجه این است که این فضایی است که غیریهودیان می‌توانند به آن وارد شوند و نه بیشتر. البته یهودیان نیز می‌توانند به آنجا بروند.

این نوعی از نکته‌ی باز بودن برای همه قبایل، همه ملت‌ها است. اما غیریهودیان می‌توانستند تا حد خاصی به آنجا بروند، و فراتر از آن نمی‌توانستند بروند، زیرا فاقد تشخیص لازم بودند. احتمالاً در خیمه اصلاً اینطور نبود.

شاید حتی در معبد اول هم نباشد. اما در معبد دوم، مجموعه‌ای از کتیبه‌ها وجود داشته که برخی از آنها پیدا شده‌اند. یک کتیبه کامل وجود دارد و اکنون در موزه باستان‌شناسی استانبول نگهداری می‌شود.

دسته‌ای از سنگ‌ها که به زبان یونانی نوشته شده بودند، اساساً به غیریهودیان هشدار می‌دادند که نمی‌توانند از این نقطه عبور کنند. و اگر این کار را انجام دهند، فقط خودشان را باید برای مرگ سریع خود سرزنش کنند. بنابراین، علامت نهایی ورود ممنوع.

با این حال، فراتر از آن، چندین دادگاه دیگر وجود داشت - اول، دادگاه زنان بنی اسرائیل. بنابراین، زنان بنی اسرائیل بیشتر از غیریهودیان برای خدا جدا بودند.

آنها می‌توانستند وارد منطقه بعدی درون معبد شوند و از نظر فیزیکی، دسترسی نزدیک‌تری به خدا نسبت به همه ملت‌های غیراسرائیلی داشته باشند. فراتر از آن، حتی درباری از مردان اسرائیلی، عوام اسرائیلی و عوام مرد وجود داشت. بنابراین، یک تمایز درونی دیگر.

، اکنون، در حیاط مردان بنی اسرائیل، محراب واقعی را می‌یابیم. ابتدا، یک قربانگاه در جلوی محراب و سپس خود محراب، که از دو، اساساً دو اتاق تشکیل شده است.

- اولی که «مکان مقدس» نامیده می‌شود. دومی که پشت مکان مقدس قرار دارد، مقدس‌ترین مکان است. قدس‌الاقداص، همانطور که معمولاً شناخته می‌شود.

و مکان مقدس فضایی است که کاهنان می‌توانستند به آن وارد شوند. آنها می‌توانستند، البته، در صحن کاهنان، در محراب، فعالیت کنند و وقتی نوبتشان بود، مثلاً برای سوزاندن بخور در برابر خداوند، وارد مکان مقدس شوند. اما به مقدس‌ترین مکان، قدس‌الاقداص، که به نوعی به عنوان مکانی که قلمروهای الهی و انسانی در آن تلاقی می‌کردند، مفهوم‌سازی می‌شد.

فقط کاهن اعظم می‌توانست برود و آن هم فقط سالی یک بار و آن هم فقط با مراسم بسیار دقیق تطهیر و پرهیز از آلودگی‌ها انجام می‌شد.

تجاوز به حریم مفهومی است که در آن با آن مواجه می‌شویم؛ شاید در سفر لاویان نباشد، اما شاید در سفر اعداد باشد. اما اگر کسی از آن نقطه عبور کند، که به دلیل سطح تقدسش، حق دارد از آن عبور کند، آن شخص باید توسط نگهبانان معبد که آنجا هستند کشته شود، زیرا تجاوز موفقیت‌آمیز به حریم، به منزله بی‌حرمتی به آن اماکن مقدس است.

و بنابراین، یک تحریک خطرناک از جانب خدا. حال، داستان‌های شگفت‌انگیزی در رابطه با این موضوع در مکابیان دوم و سوم وجود دارد. این یک تبلیغ کوتاه من برای آپوکریفا است.

اما داستان‌هایی از رهبران غیریهودی که سعی می‌کنند فراتر از حق خود پیش بروند و در این داستان‌ها هنگامی که آنها دربار را برای همه مردم باز می‌گذارند و به مکان‌های مقدس‌تری که برای دیگران در نظر گرفته شده است، نقل مکان می‌کنند، خداوند به شیوه‌ای شگفت‌انگیز و معجزه‌آسا، در پاسخ به دعاها، قوم خدا، که دعا می‌کنند خدا نگذارد محراب نجس شود، مداخله می‌کند و به عنوان مثال، در مکابیان دوم، این فرمانده فقیر به نام هلیودوروس، منصوب پادشاه سلوکی، سلوکوس چهارم، است.

او فقط کاری را که به او گفته شده انجام می‌دهد و وارد می‌شود، و انگار همان لحظه سگته می‌کند و همانطور که داستان در مکابیان دوم روایت می‌شود، فرشتگان سوار بر اسب او را کتک می‌زنند و به این طرف و آن طرف پرتاب می‌کنند.

و تنها به دلیل مداخله کاهن اعظم، اونیاس، است که او جان خود را نجات می‌دهد. هر برداشتی که از این داستان تاریخی داشته باشیم، از نظر پاکی و آلودگی، نکته بسیار مهمی را در مورد معبد به ما می‌گوید. تجاوز به حریم آن کشنده است.

تقدس این مکان، اگرچه بالقوه یک نعمت است، اما کشنده است. اگر در حضور مقدسین قدم اشتباهی بردارید، می‌تواند کشنده باشد. حال، سرزمین اسرائیل نیز مقدس‌تر از سرزمین‌های ملل غیریهودی محسوب می‌شد.

باز هم، به دلیل انتخاب خدا. خدا اسرائیل را به عنوان سکونتگاه خود و همچنین مکانی که به قوم خود می‌داد، برگزید. این آلودگی و ناپاکی کنعانیان بود که به عنوان دلیل اخراج و تا حد زیادی نابودی آنها ذکر شد.

و این تهدیدی است که همچنان در این متون بر سر اسرائیل سایه افکنده است. اگر آنها ناپاکی را افزایش دهند، اگر به مهار آلودگی و از بین بردن آلودگی در زمین توجه نکنند، زمین آنها را بیرون خواهد ریخت همانطور که کنعانیان قبل از آنها را بیرون کرد. اکنون، نقشه‌های زمانی در اسرائیل باستان نیز وجود دارد.

و شاید واضح‌ترین نقشه زمان، ریتم هفته باشد. شش روز برای کار وجود دارد، اما روز هفتم جدا شده است، همانطور که کاهنان بیشتر از عوام اسرائیل، بیشتر از بقیه ملت‌ها جدا شده‌اند. روز هفتم توسط خدا جدا شده است و بنابراین، برای خداوند مقدس است.

و آن تقدس باید توسط قوم مقدس خدا و مردمی که فراخوانده شده‌اند تا مقدس باشند، همانطور که من مقدس هستم، مورد احترام قرار گیرد. از این رو، سبت، استراحت روز هفتم، به یک نشان اساسی هویت یهودی و همچنین، از نظر تئوری، یک عمل غیرقابل نقض تبدیل می‌شود. مجازات مرگ در اسرائیل برای نقض سبت وجود داشت.

بنابراین، ما هر هفته این ریتم‌ها را داریم که یادآور تقدس قوم اسرائیل نیز هستند؛ قوم بنی‌اسرائیل که توسط خدای مقدس برگزیده شده‌اند تا با انجام کاری که خدا انجام داده، یعنی با استراحت در روز سبت تقدس او را منعکس کنند. و البته، یک تقویم مقدس گسترده‌تر از زمان‌های عادی و زمان‌های مقدس در طول سال وجود دارد. به عنوان مثال، سه جشنواره زیارتی عید فصح، پنطیکاست، یا، خدای من، این یک لحظه شرم‌آور است، و غرقه‌ها.

از آقایی که پشت دوربین بود متشکرم. دکتر هیلدبرند، متشکرم. بنابراین این سه زمان، زمان‌های مقدسی هستند.

قرار نیست با آنها مثل بقیه‌ی سال رفتار شود. قرار است با آنها به شیوه‌ای خاص رفتار شود، که منعکس‌کننده‌ی تقدس آن زمان و تقدس چیزی است که در آن زمان به یاد آورده می‌شود. بنابراین، ما آن نقشه‌ها را هم داریم.

و همانطور که اشاره کردم، نقشه‌هایی از غذا یا نقشه‌هایی پیرامون غذا نیز وجود دارد. اینها احتمالاً رایج‌ترین نقشه‌هایی هستند که از نظر پاکی و آلودگی، مقررات پاکی و ناپاک بودن لاویان، حتی در مورد یهودیان، و در دنیای باستان، مورد توجه قرار گرفته‌اند. اگر یک غیریهودی سه چیز را در مورد یک یهودی می‌دانست می‌دانست که آنها ختنه شده‌اند، آنها روز سبت را رعایت می‌کنند، و آنها واقعاً در مورد آنچه که آنها می‌خوردند و آنچه که نمی‌خوردند، خنده‌دار بودند.

اما لاویان مشخص می‌کند که چه حیواناتی پاک و چه حیواناتی ناپاک هستند. حیوانات پاک شامل حیوانات خشکی می‌شوند که دو ویژگی دارند. آنها نشخوار می‌کنند، نشخوار می‌کنند و سم‌های شکافته دارند.

اگر حیوانی یکی را داشته باشد اما دیگری را نداشته باشد، پاک نیست. اگر حیوانی هیچ‌کدام را نداشته باشد، پاک نیست. موجودات دریایی می‌توانند پاک باشند.

آنهايي که تمیز هستند، آنهايي هستند که هم باله و هم فلس دارند. اگر فاقد یکی یا دیگری یا هر دو باشند، نجس هستند زیرا این ترکیبی از دسته‌ها است. این یک انحراف در نظم خداست.

برای مثال، من به خرچنگ دریایی اشاره کرده بودم که در آب زندگی می‌کند اما روی خشکی راه می‌رود. این خلاف دسته‌بندی‌های خداست. خوردن خرچنگ دریایی برای غیریهودیان می‌تواند اشکالی نداشته باشد، زیرا غیریهودیان نجس هستند و خرچنگ‌ها نجس هستند.

آنها به زیبایی با هم هماهنگ هستند. اما افرادی که برای مقدس بودن برای خداوند جدا شده‌اند، باید تمایزی بین پاک و ناپاک قائل شوند که خود خدا با انتخاب این شخص و نه آن شخص، نه آن افراد، قائل شده است. همچنین، مقررات دقیقی در مورد اینکه چه بخش‌هایی از غذا برای چه مصرف‌کنندگانی مناسب است، وجود دارد.

خون متعلق به خداست. آیه‌ای معروف در لاویان می‌گوید که خون، حیات است و خون برای هدف خاصی داده می‌شود، نه برای خوردن، بلکه برای کفاره گناهان قوم مقدس. خون متعلق به خداست.

بنابراین، یهودیان خون نمی‌خورند. آنها قبل از خوردن خون، آن را با دقت از بافت جدا می‌کنند. با این حال، به عنوان مثال، یک حیوان قربانی را در نظر بگیرید.

بیشتر آن حیوانات توسط کسی خورده می‌شدند. نه همیشه. بعضی از آنها قربانی‌های کامل سوخته بودند.

اما اگر من یک قربانی شکرگزاری به معبد می‌بردم، در واقع می‌توانستم مقدار زیادی از آن را بخورم. اما کاهنان می‌توانستند بخش‌های خاصی از آن را بخورند و خدا می‌توانست به طور مجازی بخش‌های خاصی از آن را بخورد یا دریافت کند. آن بخش‌هایی که کاملاً سوخته می‌شدند، متعلق به خدا بودند تا از آنها لذت ببرند.

بخش‌هایی خاص، و من به خاطر نمی‌آورم کدام، متعلق به کاهنان بود تا از آن لذت ببرند. و قربانی‌کننده‌ی غیرروحانی از سهم کاهنان نمی‌خورد زیرا آن برای کاهنان مقدس بود. این سهم متعلق به او بود.

قربانی‌کننده‌ی غیرروحانی و خانواده‌اش می‌توانستند بقیه را بخورند. و بنابراین، از یک طرف، ما به غذا توجه داریم، اما این توجه به غذا، سلسله مراتب داخلی اسرائیل را با خدا در بالا، کاهنان در رده‌ی بعدی و هر کس دیگری در زیر آن تقویت می‌کند. همانطور که گفتم، بسیاری از این مقررات به طور متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند.

توجه به غذا تا حد زیادی تمایز بین اسرائیلی‌ها و غیر اسرائیلی‌ها را تقویت می‌کند. و حتی یهودیان نیز این را به عنوان نوعی کارکرد اصلی مقررات غذایی تشخیص دادند. این مقررات برای جلوگیری از اختلاط بیش از حد آزادانه ما با مردم سایر ملت‌ها، با ایده‌های دیوانه‌وار آنها در مورد دین و خدا و اخلاق، وضع شده‌اند.

بنابراین، این واقعیت که یهودیان باید مراقبت ویژه‌ای برای خوردن غذاهای پاک، تهیه شده به روش‌های پاک، بدون خون، خفه نشده و مواردی از این دست داشتند، به این معنی بود که آنها قرار بود بازارهای خود را، به عنوان مثال، در محیط‌های دیاسپورا ایجاد کنند. بنابراین، می‌توانستند مطمئن باشند که غذاهای پاک و تمیز تهیه شده دریافت می‌کنند. و این به نوبه خود به این معنی است که یهودیان خود را بیشتر در جوامع نزدیک به هم در شهرهای دیاسپورا سازماندهی خواهند کرد زیرا آنها در بازارهای خود سازماندهی خواهند شد.

و بنابراین، مقررات غذایی در مورد اینکه چه چیزی باید خورد و چه چیزی نباید خورد، در نهایت نقشه‌های مردم و دعوت اسرائیل به متمایز بودن، متفاوت بودن، جدا بودن از سایر مردمان زمین را تقویت می‌کند، زیرا این انتخاب خدا بود. در نهایت، به نقشه‌های بدن نگاه می‌کنیم. در اینجا، لاویان در جالب‌ترین نقطه خود قرار دارد، جایی که به سطوح توجه می‌کند.

برای مثال، سطح پوست، سطح لباس، و همچنین منافذ بدن، آن دسته از منافذ بدن که می‌توانند آلودگی را وارد یا از آن خارج کنند. و می‌دانید، ایده این است که بدن باید دست‌نخورده بماند، و آنچه درون آن است معمولاً باید درون آن باقی بماند. و باید مراقب آنچه از بیرون وارد می‌شود بود.

گمان می‌کنم این بیشتر به دسته‌بندی‌های غذایی مربوط می‌شود. اما در اینجا، بدن‌ها نباید مایعات ترشح کنند. پوست نباید نفوذپذیر باشد، مانند انواع مختلف اگرما که در لایان و جاهای دیگر به عنوان جذام شناخته می‌شوند.

و بدن‌هایی که از زندگی به مرگ رسیده‌اند یا نمادی از گذر از زندگی به مرگ هستند. برای مثال، جریان قاعدگی یک زن، در واقع، نمادی از زندگی‌ای است که اتفاق نیفتاده است، به منبع آلودگی تبدیل می‌شود. بدن فردی به نوعی نماد بدن اجتماعی تبدیل می‌شود.

نگرانی‌ها در مورد تمامیت مرزهای بدن فردی، نگرانی‌ها در مورد تمامیت مرزهای بدن اجتماعی را منعکس می‌کند. حال، یکی دیگر از محققان درخشان در این زمینه، ریچارد نلسون، و من اکنون از مری داگلاس نام می‌برم، نوشت؛ او درباره لایان زیاد نوشته است، اما نوعی اثر شاخص او «پاکی و خطر» است. مطالعه گسترده او در مورد فرهنگ‌های قبیله‌ای مدرن و همچنین فرهنگ باستانی اسرائیل، او را به این بینش رساند که بدن، بدن فیزیکی فردی، الگویی است که می‌تواند نمایانگر هر سیستم محدودی باشد.

و بنابراین، همانطور که در مورد آن فکر می‌کنیم، همانطور که لایان را از نظر آنچه از این مرز، مرز پوست، عبور می‌کند می‌خوانیم، می‌توانیم به خوبی در مورد آن به عنوان راهی برای تقویت نگرانی اسرائیل در مورد مرزهای خود اسرائیل و آنچه وارد اسرائیل می‌شود و آنچه از اسرائیل خارج می‌شود نیز فکر کنیم. حال باید بگوییم که خود آلودگی عموماً مشکلی نبود. اینطور نبود که یهودیان به هر قیمتی از آلودگی اجتناب کنند.

این اجتناب‌ناپذیر بود. هر ماه، یک زن دچار خونریزی قاعدگی می‌شد. همه از فقدان بستگانشان تا مرگ رنج می‌بردند و مجبور بودند با جسد کنار بیایند و آن را دفن کنند.

ناپاکی، باید بگوییم آلودگی، اجتناب‌ناپذیر است. کاری که باید انجام داد این است که بدانیم آیا این اتفاق افتاده است و چه زمانی رخ داده است تا بتوان مراسم تطهیر مناسب را برای رفع آلودگی رعایت کرد، تا بتوان آن آلودگی را مهار و با آن مقابله کرد، نه اینکه در سرزمین پخش شود، تکثیر شود و انباشته شود و در نتیجه زمین را تهدید کند که ساکنانش را دوباره بیرون بریزد. آلودگی‌ها در سراسر سرزمین مقدس رخ می‌دهند، و نکته جالب، شاید کمی عجیب، این است که آلودگی بر خودِ قدس‌الاقداص تأثیر می‌گذارد.

همانطور که اگر به دقت به آیین روز کفاره نگاه کنیم، خواهیم دید، مسئله فقط این نیست که باید با آلودگی در آنجا مقابله کنیم، بلکه باید به نوعی با اثرات آلودگی در اینجا، در درونی‌ترین مکانی که انسان‌ها با الوهیت در تعامل هستند، مقابله کنیم. و بنابراین توجه به پاکسازی محراب، درونی‌ترین محراب که هیچ کس هرگز به آن نمی‌رود، از آلودگی‌هایی که در تمام طول سال در آنجا اتفاق افتاده است، معطوف می‌شود قابل توجه است که هیچ آیین تطهیر و هیچ قربانی برای برخی آلودگی‌ها تجویز نشده است، که نشان می‌دهد حداقل در اسرائیل باستان، هیچ جبرانی برای برخی آلودگی‌ها وجود ندارد، به جز نابودی آلوده.

این موضوع، برای مثال، مربوط به کسی است که آگاهانه غذای نجس می‌خورد، در بت‌پرستی شرکت می‌کند یا روز سبت را نقض می‌کند. اکنون قصد دارم کمی بیشتر در اینجا به این موضوع بپردازم که چه چیزی کدهای پاکی را برای شرکت‌کنندگان معنادار می‌کند. قبلاً به چند مورد از این موارد اشاره کرده‌ام، اما می‌خواهم آنها را با هم جمع کنم.

اولین و مهمترین فرمان خداوند است: مقدس باشید، زیرا من مقدس هستم. انتخاب اسرائیل، ببخشید انتخاب اسرائیل توسط خداوند، همچنین ماموریتی به اسرائیل است تا خود را در کشوری نگه دارد که بتواند به خدای مقدس تعلق داشته باشد، جایی که بتواند با خدای مقدس تعامل داشته باشد. ارتباط خدای مقدس با اسرائیل، انتخاب زندگی در میان آنها به شیوه‌ای خاص در مقایسه با هر جای دیگر، مستلزم آن است که مردم به طور کلی مقدس باشند و به این مسائل مربوط به پاکی و آلودگی توجه کنند که امکان ارتباط با الوهیت را مفید و نه مخرب فراهم می‌کند.

سرزمینی که برای خداوند مقدس است، سرزمین اسرائیل، به مردمی نیاز دارد که مقدس باشند و آن را نجس نکنند. باز هم، لاویان ۱۸ متن خوبی برای خواندن در اینجا است. باز هم، به طور مجازی، این آلودگی. کنعانیان بود که باعث شد خود سرزمین آنها را بیرون بریزد.

و بنابراین باید کسانی که اکنون در این سرزمین ساکن هستند، سطح پاکی را رعایت کنند و به طور مؤثر با آلودگی مقابله کنند تا زمین آنها را حفظ کند. به نظر من، حداقل یک متن بسیار جالب، لاویان 20:22 تا است. این جایی است که دوباره نگرانی اسرائیل را در مورد تمایز بین پاک و ناپاک می‌بینیم، که منعکس 26 کننده انتخاب خدا از اسرائیل برای جدا و متمایز بودن از سایر مردمان زمین است.

بنابراین، باز هم، انعکاس مرز اجتماعی و هویت اجتماعی اسرائیل در مقایسه با سایر گروه‌های قومی، همان چیزی است که در هر تصمیمی که هر اسرائیلی در مورد پاکی یا ناپاکی می‌گیرد، القا و تقویت می‌شود. اتفاقاً رعایت روز سبت نیز در درجه اول به عنوان انعکاس فعالیت خداوند در نظر گرفته می‌شود، چه این امر شاهدهی بر کار خداوند در آفرینش جهان باشد، در مقابل هر خدای دیگری که جهان را خلق می‌کند، و چه شاهدهی بر کار رهایی‌بخش خداوند در آفرینش اسرائیل به عنوان یک قوم با بیرون آوردن آن از مصر، از خانه اسارت. در طول دوره معبد دوم، به ویژه در دوران آوارگی، یهودیان را می‌بینیم که به دنبال راه‌های دیگری برای توضیح و معنادار کردن مقررات لاویان، در میان سایر متون، هستند.

برای مثال، به ویژه در یهودیت اسکندریه یا انطاکیه، به طور فزاینده‌ای رایج شده است که قوانین غذایی را به عنوان رمزگذاری اصول اخلاقی در نظر بگیرند. بنابراین، به عنوان مثال، در نامه آریستئاس، شاید متنی مربوط به قرن اول پیش از میلاد که احتمالاً در مصر نوشته شده است، یا حتی شاید در آن زمان در اسکندریه مصر، می‌بینیم که حیوانات ویژگی‌های خاصی دارند یا ویژگی‌های خاصی به آنها نسبت داده شده است. و بنابراین، اجتناب از خوردن این حیوان در واقع یک دستورالعمل اخلاقی علیه تجسم ویژگی‌های آن حیوان است.

از این رو، بنی اسرائیل و یهودیان کرکس یا لاشخور نمی‌خورند، زیرا به ما آموخته‌اند که ضعیفان یا در حال مرگ را شکار نکنیم. و بنابراین، در واقع، در آن متن، شما با یک بحث طولانی در مورد حیوانات مختلف و رذایل مرتبط با آنها مواجه می‌شوید. بنابراین، این به روشی برای تفکر در عصر جدید در مورد معناداری قوانین پاکی و مقررات غذایی خودشان تبدیل می‌شود.

متن دیگری در این زمینه، ۴ مکابی است که در آن خود قوانین غذایی، اخلاقی یا تمثیلی نشده‌اند، اما به عنوان نوعی برنامه تمرینی خدادادی برای توسعه فضیلت خویش‌داری در نظر گرفته می‌شوند. بنابراین، ما از آبدارترین و خوشمزه‌ترین گوشت‌ها مانند گوشت خوک و خرچنگ دریایی پرهیز می‌کنیم و این روش خدا برای آموزش مهار احساسات و امیال خود و تمرین روزانه خویش‌داری است تا بتوانیم تصمیمات اخلاقی بزرگ‌تری نیز با مسلح بودن به خویش‌داری بگیریم. در پایان، می‌خواهم چند کلمه در مورد سطوح توجه به پاکی بگویم.

هرچه به مرکز محل سکونت خدای مقدس نزدیک‌تر بودید، به نظر می‌رسید که باید بیشتر نگران پاکی و آلودگی باشید. کارکنان معبد، کاهنان و لاویان، نه تنها در زمان اقامت در اورشلیم، بلکه به طور کلی در طول سال، باید در برابر بسیاری از آلودگی‌هایی که برای افراد غیر روحانی در هنگام دور بودن از معبد کاملاً قابل قبول بود، اقدامات احتیاطی انجام می‌دادند. بنابراین، کاهنان فقط می‌توانستند به دفن نزدیکترین بستگان خود رسیدگی کنند، اما از آلوده کردن اجساد دیگران منع شده بودند، در حالی که بنی اسرائیل غیر روحانی می‌توانستند هر کسی را دفن کنند و از او مراقبت کنند.

در واقع، این یک عمل خیرخواهانه و ستودنی برای توبیت، یکی دیگر از متون بین‌العهد، است که توبیت بنی اسرائیلی‌های در معرض خطر را دفن کند. اما یک کاهن نمی‌توانست این کار را انجام دهد. یک کاهن محدود به دفن نزدیکترین بستگان خانوادگی خود می‌شد.

تمام کسانی که وارد محوطه مقدس معبد می‌شوند، نسبت به زمانی که در خانه‌هایشان در مودین یا گاملا بودند، به پاکی و آلودگی، و به سطوح پاکی، توجه بیشتری خواهند داشت. همه یهودیان باید نگران مهار و رفع آلودگی‌های ایجاد شده در سراسر سرزمین باشند، مبادا که زمین آنها را بیرون بریزد. اما البته، باز هم، این بدان معنا نیست که آنها به هر قیمتی از آلودگی اجتناب می‌کردند.

آنها فقط وقتی که [مسئله] پیش می‌آمد، با آن برخورد می‌کردند. تعدادی از آلودگی‌های ممنوعه وجود دارد که همه یهودیان باید به هر قیمتی از آنها اجتناب می‌کردند. به عنوان مثال، تأخیر عمدی در تطهیر برای آلودگی‌های مجاز، یک تجاوز عمدی محسوب می‌شد و اماکن مقدس را آلوده می‌کرد.

همانطور که اشاره کردم، نجس کردن جسد برای کاهنان، به جز نزدیکترین خویشاوند کاهن. برخی آلودگی‌های جنسی، زنای با محارم، رابطه جنسی با زن در دوران قاعدگی، رابطه جنسی با حیوانات و اعمال همجنس‌گرایانه. ارتباط با بت‌ها یا پرستش بت‌ها نجس بود و هیچ تطهیری برای آن وجود نداشت.

همچنین، قتل، غفلت از ختنه و نجس کردن معبد یا روز سبت. یکی از متغیرهای قابل توجه در حداقل یهودیت معبد دوم، نگرانی در مورد آلودگی ثانویه بود که ناشی از لمس چیزی توسط شخص یا چیزی است که خود نجس است. اکثر یهودیان نگران آلودگی ثانویه نبودند.

اما به نظر می‌رسد فریسیان با نگرانی در مورد آلودگی ثانویه، خود را متمایز می‌کردند. بنابراین، آنها نه تنها به آلودگی ناشی از فرد ناپاک که آنها را لمس می‌کرد، اهمیت می‌دادند، بلکه به چیزی که ممکن بود توسط فرد ناپاک لمس شده باشد و آنها ممکن بود آن را لمس کنند، اهمیت می‌دادند. و بنابراین، آنها ارتباط خود را با سایر یهودیان بر این اساس تنظیم می‌کردند.

به همین دلیل است که فریسیان معمولاً چنین گروه متمایزی بودند و به همین دلیل با دیگر فریسیان غذا می‌خوردند، برخلاف سایر بنی اسرائیلی‌های غیرروحانی. یهودی معتقد به حفظ پاکی در ارتباط با داشتن دست‌های تمیز و قلب پاک علاقه‌مند بود. در پایان می‌خواهم تأکید کنم که بنی اسرائیل باستان، یهودی معبد دوم، هم از نظر آنچه ما اخلاق و نیت می‌نامیم و هم از نظر آنچه ما پاکی آیینی می‌نامیم، به پاکی اهمیت می‌داد.

این مقررات و اعمال صرفاً امری ظاهری نبودند. آنها بازتاب‌های بیرونی اعتقادات اصلی بودند. یعنی اطاعت از خواست خدا مبنی بر اینکه یهودیان باید برای خدا مقدس باشند، همانطور که خدا مقدس بود، و تعهد به زیستن به گونه‌ای که بازتابی از تقدس خدا در میان جهانی ناپاک باشد.

این دکتر دیوید دسیلوا در حال تدریس در مورد جهان فرهنگی عهد جدید است. این جلسه ۷، پاکی و آلودگی است.